

پیامبر رحمت و مسئله جهل و غفلت تاریخی انسان

مطابق آیات قرآن کریم و روایات متعدد شیعی، معصومین علیهم السلام بر احوال زمان و شیعیان آگاهند که از این موضوع مهم می‌توان با عنوان حضور مدام فراتر از زمان و مکان یاد کرد. در حقیقت وجود نورانی چهارده معصوم علیهم السلام بر عالم خلقت، سیطره‌ای تکوینی دارد که حضور و ظهور این موضوع نیز در هر عصر به نوعی قابل فهم است، گرچه دل‌های مرده نفهمند و چشمان نابینا نبینند و جبل‌المتین را انکار کنند. حجاز هم حتی آنگاه که وجود نازنین پیامبر رحمت را درک می‌کرد، همزمان مردمانی داشت که این عزیزترین خلق خدا را به بدترین اوصاف خطاب کردند و بر روی لطف او شکمبه‌ها و زباله‌ها ریختند. اگرچه این وضعیت تا استقرار حکومت نبوی پایان یافت. اما شبیه آن تا امروز روز نیز ادامه یافته است. بی‌حرمتی به ادیان و پیامبران در عصر جدید به ابزاری ضدتمدنی و اقتصادی - سیاسی تغییر شکل داده است. به نظر می‌رسد این مسئله که امروزه در انواع تولیدات رسانه‌ای غرب مشاهده می‌شود، بیشتر از هر چیز نیازمند تأملی فلسفی - فرهنگی است. رویکرد انسان مدرن به معنویت و دین، تحولی عمیق یافته که باید اتفاقات این روزها در بی‌حرمتی به نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله را نیز در آن فضا بررسی کرد؛ فضایی که نشان از جهالت و غفلتی مدرن دارد.

حکایت عناد در مقابل ادیان و پیامبران، سابقه‌ای تاریخی و چندهزار ساله دارد. در واقع

روند تاریخ ادیان پر است از جنگ‌های فرقه‌ای و بین‌الادیانی که بخش مهمی از آنها بر چند ضلعی تعصب، جهالت، الحاد و منافع اقتصادی استوار بوده است. در این میان سیاست‌های استعماری و کشورگشایی‌ها را نیز می‌تواند به عنوان عامل مکمل مورد اشاره قرار داد. در حقیقت جریان تفرقه‌انگیزی و اختلاف‌سازی بین ادیان به دلایل پیش گفته، کم و بیش بخش مهمی از تاریخ جهان را به خود اختصاص داده است.

اما جهان امروز آسستن رخدادهای جدیدی است که برخلاف عقیده رایج، غالب آنها یا دینی - معنوی است یا ریشه در اندیشه‌های معنوی و دینی دارد. آیا می‌توان سیاست‌گذاری‌های بریتانیا و ایالات متحده آمریکا را بدون پیش فرض‌های شدیداً مسیحیت‌گرایانه و صهیونیستی تبیین کرد؟ آیا توجیه جریان‌های جدید و بزرگ فرهنگی امروز جهان جز در بستر نشانه‌های عمیقاً دینی و معنوی ممکن است؟ قرائت بودایی از اسلام، فروش بی‌رقیب قرآن کریم در تمام عالم، رشد روز افزون اسلام‌گرایی و بودایی‌گرایی، گسترش قرائت‌های بودایی‌گرایانه از آموزه‌های اسلامی در آمریکا و فروش زیاد آثار مولوی و بسیاری از نشانه‌های دینی و معنوی بزرگ و کوچک دیگر در حوزه ادیان ابراهیمی و شرقی در سراسر گیتی، حکایت از وقوع رخدادی عظیم است. برآیند همه این اتفاقات آرام یا پرخروش، هر چه باشد و در نظریه برخورد یا گفت‌وگوی تمدن‌ها یا گفت‌وگوی ادیان یا هر مقوله‌ای دیگر متجلی شود، نشان از وضعیتی جدید در حوزه معنویت و ادیان دارد.

دین‌ستیزی در هر عصری به شکلی به عنوان یک مسئله مطرح بوده و خود را نشان داده است؛ اما نکته جالب توجه این است که از قبل این وضعیت، ناهمسانی‌های فرهنگی و دینی موجود به مرور زمان به تعاطی افکار و نوعی تبادل فرهنگی - دینی نیز تبدیل شده است. عصر جدید به سبب ظهور رسانه و ارتباط جریان‌های متعدد و مختلف فکری - فرهنگی، عصری در نوع خود بی‌نظیر به‌شمار می‌آید. یکی از نتایج مهم این وضعیت، وقوع رخدادهای دینی و معنوی مثبت و منفی با ابعادی بسیار وسیع‌تر و مؤثرتر از گذشته است. انگیزش‌های فکری و نوعی تعصبات قومیتی و دینی به عنوان ریشه اصلی غالب جنگ‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دوران معاصر، گواه این موضوع است که ارتباطات ادیان

وارد فاز جدیدی شده است. این موضوع گذشته از ادیان شرقی و غیرتوحیدی، در ادیان توحیدی - به‌ویژه - قابل توجه است. امروز انشعاب و تفرقه بین گروه‌های اهل سنت از گرایش‌های قائل به تساهل و تسامح تا رادیکال‌ترین گرایش‌های تروریستی را شامل می‌شود. رویکرد جهانی و انقلابی در تشیع وارد دوران جدیدی شده است. گروه‌های مسیحی نیز به همراه تحولات مدرنیته و پسامدرنیسم به فرقه‌های بسیاری تقسیم شده‌اند. تحولات مهمی نیز در گرایش‌های یهودیان رخ داده است که شاخص‌ترین نمونه آن در صهیونیسم مشاهده می‌شود. تاریخ گواه این است که اسلام در هزار و چهارصد سال گذشته حتی از گزند پیروان خود نیز در امان نبوده است و پیش‌بینی می‌شود که روند بی‌حرمتی به مقدسات اسلام در آینده نیز ادامه خواهد داشت. ضربه‌های سهمگینی که حاکمان و برخی از اندیشمندان به ظاهر مسلمان به شعائر و آموزه‌های اسلامی وارد کرده‌اند، سیر رشد فرهنگی و تمدنی اسلام را پس از اوج و فراز، به افول و فروزهایی رسانده است که جبران آنها سال‌های متمادی به طول خواهد انجامید. همین موضوع از سوی دشمنان اسلام نیز قابل پیش‌بینی است.

بی‌حرمتی به ادیان و مقدسات، در نگاهی راهبردی و رسانه‌ای، برای بنگاه‌های رسانه‌ای غرب و هالیوود به ابزاری در جهت اشاعه اباحی‌گری، انتقال مفاهیم جدید فرهنگی و گسترش اندیشه و فکر مدرن تبدیل شده است. این موضوع در بسیاری از موارد، انتقادات گسترده مسیحیان و یهودیان را نیز به دنبال داشته است؛ اما انسان مدرن پیامبران را هم زمینی می‌خواهد و در زمین، جستجوی بهشت می‌کند.

در حقیقت خط مقدم جبهه جنگ نرم نظام سلطه با جهان آزادیخواه، رسانه‌ها به‌شمار می‌آیند. امروز آگاهی و اندیشه با سیاستگذاری رسانه‌ای هدایت و کنترل می‌شود و با توجه به گرایش‌های معنوی و دینی و تولد عصر جدید ارتباطات معنوی و دینی، باید اذعان کرد که در جنگ رسانه‌ای، معنویت‌گرایی و گرایش‌های دینی تعیین‌کننده و نقش نخست را دارند. بر این اساس اگر یک روز سلمان رشدی کتاب آیات شیطانی را می‌نگارد، روزی دیگر در کشور دانمارک کاریکاتوری موهن کشیده می‌شود. در این سو روزی وهابیت و بهائیت تولد می‌یابند و مورد حمایت قرار می‌گیرند و روزی نیز طالبان و ملاعمر جریان‌ساز می‌شوند؛ در

وضعیت جدید همه قدرت سیاسی و اقتصادی غرب، رسانه‌ها را بسیج می‌کند تا آن آموزه و تفکری را در اذهان انسان‌ها تزریق کنند که در یک پازل بزرگ به تأیید و توسعه صهیونیسم و مسیحیت رادیکال بیانجامد؛ در حقیقت واقعه اخیر اهانت به پیامبر رحمت را نیز باید به عنوان یکی از قطعات این پازل مورد بررسی قرار داد؛ امری که نه به توفیق ایشان که براساس وعده الهی، به سیطره حقیقت و توحید و عدالت می‌انجامد.

مدیر مسئول

